

دستآورد حقوقی مجمع شورای

به اصطلاح ملی

امیرفیض- حقوقدان

این تحریر دراین مقام است که موضع حقوقی امضا کنندگان منشور شورای به اصطلاح ملی! پس از تشکیل مجمع عمومی راتشریح کند.

دانسته ایم که:

منشوری که ظاهراً ازطرف گروهی درموقعیت موسسین معرفی شده اند تنظیم ومنتشرشده است، و با استفاده ازهمه امکانات قابل تصور، از ایرانیان خواسته شده که آنرا امضا کنند، و تاکید اعلیحضرت وحضورشخصیت های سلطنتی درکنار علاقمندی ذاتی ایرانیان به نجات کشورشان سبب گردید که گروهی با آنکه منشور و خاصه ماده ۱۱ آنرا خلاف منافع ملی وتمامیت ارضی کشور میدانستند به امضای آن منشورتن دادند (!) چراکه درمقابل اعتراض آنها گفته شد: **<این منشور متن نهائی نیست و متن نهائی آن پس از بحث درمجمع عمومی قابل اعتبار میگردد>** حتی معترضین دعوت شدند که با امضای منشور و ورود به شورا به اصلاح نواقص شورا و همچنین منشور کمک کنند، و دقیقاً بیاد دارم که برای اطمینان معترضین به ماده ۱۱ گفته شد: **<منشور وحی منزل نیست که غیرقابل تغییر باشد درمجمع روی مواد آن بحث خواهد شد و اگراصلاحی لازم باشد اصلاح خواهد شد>**

دراین راستا همانطور که ازمعلومات این جریان است شرط ورود وعضویت درشورای به اصطلاح ملی! امضای منشور قرارداده شده بود.

امضا کنندگان منشوربامقاصد گوناگونی آنرا امضا کردند، که مهمترین وبرجسته ترین آن مقاصد اعتراض به ماده ۱۱ و تلاش برای حفظ تمامیت ارضی کشور بود.

ازآنجا که شرط حضور درمجمع، عضویت شورا وعضویت شورا فرع برامضای منشوروقبول آن بود، شرط امضای منشور، میتواند لازمه ورود به شورا تلقی گردد، نه موافقت با مقاصد ذکرشده درمنشور. زیراکه، چیزی که درمراحل اولیه ومقدماتی است، منشور ویا متن قابل تعهد شناخته نمیشود تاچه رسد که امضای آن برای امضاکننده ایجاد تعهد ویا تکلیف کند.

حاشیه = همینجا این اشاره بجاست که تحریرحاضرمتوجه آثار امضای منشور نسبت به شورای به

اصطلاح ملی! وشخص امضا کننده منشوراست، ونه حقوقی که احتمالاً وجود آن حقوق بتواند مورد استفاده واتخاذ سند ثالث قرارگیرد، چنانکه <هرکس با امضا و یا اقرار و یا انجام عملی حقی برای کسی و یا کسانی ایجاد کند آن حق قابل مطالبه است حتی پس ازفوت ایجاد کننده حق> و در تطبیق مورد امضای منشورباماده ۱۱ برای ثالث که تجزیه طلبان هستند ازاسباب ادعاست (پایان حاشیه)

بنابراینچه میدانیم درمجمع شورا وفای به عهد نسبت به بازنگری منشورشورا وتبدیل آن متن مقدماتی وپیش نویس به متن نهانی گرچه اشاره شد ولی مطرح وعملی نشد، اکنون باتفاق نگاه کنیم که این قصور عمدی ویا غیرعمدی بهرعلتی که باشد ایجاد کننده چه آثاری خواهد بود.

تقلب ویا خودداری ازیفای عهد وقرار

خودداری از طرح منشوردرمجمع شورا تقلب محسوب نمیشود، زیرا تقلب جابجائی حقیقت بوسیله عملیات متقلبانه است و عمل شورا درخودداری ازطرح منشور مشمول تقلب نمیگردد.

عمل شورا درخودداری ازیفای عهد وقراری که برای بازنگری منشورگذاشته بود، عهد شکنی است، که اگر موضوع مربوط به انتخابات قانونی باشد عنوان <قانون شکنی> و اگر مربوط به موسسات وفعالیت های اجتماعی وحقوقی باشد مانند شورای به اصطلاح ملی! عنوان عهد شکنی وخلف وعده نامیده میشود.

تفاوت بین عهد شکنی وتقلب که قابل توجه این تحریراست این است که تقلب، غالباً موضعی است یعنی دریک قسمت از انتخابات بوجود میآید، ودر انتخابات همان موضع تاثیرگذارمیشود که معمولاً آن حوزه انتخاباتی رباطل اعلام میکنند.

اما قانون شکنی ویا عهد شکنی، چون قانون ویاعهد متوجه کل موضوع بوده وتفکیک پذیرنیست، لذا کل آن انتخابات و یا قرار و عهدبین طرفین رباطل میسازد (البته اگرآزمواری باشد که نتوان به دادگاه مراجعه کرد مانند همین عهد شکنی شورای ملی).

درتطبيق مورد

بارعایت مراتب بالااین یقین قابل تقدیم است که چون منشورشورا زیر بنای فعالیت شورا محسوب است وانتخاب مدیران شورا روبنای اجرایی شورااست، لذا زیر بنای معیوب وخلاف عهد وتعهد فسادى دارد که هرگونه انتخابات شورا را باطل ساخته است درعبارتی ساده:

قبل از تصویب نهانی منشور معلوم نیست که چه کسی عضو شورا هست ویا نیست وصرف حضوردرمجمع دلیل عضویت وداشتن حق رای نیست چرا که گروهی ازحاضران بقصد اعتراض ویا اصلاح منشور درجلسه حاضرند، نه برای رای دادن، و با خودداری شورا از طرح واصلاح منشور درمجمع، آن گروه که مخالف ویا قائل به تجدید نظر در منشور بوده اند بطور طبیعی وبدون هیچگونه تشریفاتى ازعضویت شورا خارج اند.

آیا در آن مجمع کسی نبود که به این مطلب سر دست، ناشی ازعهد شکنی شورا التفات کند و بگوید؛ اول باید مسئله منشور مطرح شود وبعد انتخاب افراد؟ چرا آقای سیاوش آذری که گفته بود میروم که اگرخطائی شد قیل وقال کنم و در بازار خرید وفروش برده هم نرخ چند میلیارد دلاری برخود گذاشته بود بایک بلیط دوسره ویک سور دوروزه تبدیل به میت شد.

شرکت کنندگان درمجمع، زمانی که شورا اعلامیه کرد که منشورتامین کننده خوشبختی ملت ایران است باید میفهمیدند که منشور، درمجمع بازنگری نخواهد شد، زیرا پیش داوری درمورد منشور و

آنهم درحد خوشبختی ملت ایران، جانی برای بازنگری آن باقی نمیگذارد چراکه بازنگری در منشور به معنای تردید در اصل خوشبختی ملت است که کسی رایاری طرد آن نیست.^۱

چرا منشور به تصویب مجمع عمومی نرسید؟

این تحریر ناقص است اگرچه این سوال مشخص وارد نشود که، چرا منشور شورا براساس وعده ای که به امضا کنندگان منشور داده شده بود برای اصلاح و تبدیل به متن نهایی و یا رد برخی ویاتمام آن گرچه به مجمع آمد و تظاهر به اصلاح شد ولی به بحث گذاشته نشد، و هرگز به تصویب نهایی مجمع حاضر هم نرسید؟

چه اشکالی داشت که دونفر بعنوان مخالف ماده ۱۱ و دونفر بعنوان موافق ماده ۱۱ چند دقیقه ای صحبت میکردند و سپس رای گیری میشد و اگر اکثریت با رد منشور و یا اصلاح و یا حذف ماده ۱۱ بود به اعتبار رای اکثریت از مخالفین درخواست میشد که از حق ترک شورا خودداری کنند و یا برعکس.^۲

چرا به جای این حقیقت کاری و معمول، زیرآبی رفتند و مانند کار اجنه عمل کردند، و لابد هم به این عمل خودشان که مات کردن امضا کنندگان بود آفرین هم گفتند.

در ابتدای این تحریر در استفاده از واژه ظاهرا خط تاکید گذاشته شده است مقصود از ظاهرا این است که ظاهر منشور بوسیله زندانیان داخل کشور و یا از روی میز اعلیحضرت براه افتاده است، ولی احساس زنده و برتر این است که اصول منشور خاصه همان ماده ۱۱ که جواز تجزیه ایران است از سوی همان قدرتی توصیه و تنظیم شده که شورای ملی سوریه را رهبری میکند، از سوی همان کشوری ترتیب داده شده که شورای به اصطلاح ملی! مترصد حمایت و کمک آن کشور است و بنابر مصاحبه اخیر اعلیحضرت در برنامه آقای بزرگمهر، (بی بی سی) شورا منتظر حمایت و کمک و دیدگاه های آن کشور است که تحت عنوان «جهان» از آن نام برده شده است.

سازمانی که به اعتبار امید کمک یک کشور خارجی تشکیل میشود اول بررسی میکند که آن کشور خارجی چه میخواهد که زمینه آنرا در منشورش فراهم سازد.

یک موج تجزیه طلبی وسیع بسوی کشورهای خاورمیانه در حرکت است، رهبری این موج با آمریکا است، آمریکا بوسیله عوامل خود نسخه راه میدهد و به پیروان نسخه کمک مادی و تجهیزات میدهد به سوریه نگاه کنید، بقیه داستان را ملاحظه خواهید کرد.

ماده ۱۱ منشور اصلی ترین موضوع در نسخه آمریکاست، شورا چه کاره است که بانظر ایرانیان، منشور توصیه شده آمریکا را تغییر دهد (عمله برای آنکه مزد میدهند بیل میزند) این مخارج سنگین

^۱ - توجه خواننده گرامی را در مواردی که در این نوشتار آمده و بار حقوقی و اساسی ژرف دارد جلب میکنم. هر پاراگراف و هر جمله را با دقت بخوانید... اگر پرسشی باشد بفرمایید تا اگر پاسخ لازم داشت از استاد امیرفیض کسب کرده و به آگاهی همگان برساند. ح-ک

^۲ - قابل توجه است و در گفتگویی با استاد امیرفیض اشاره به این مورد حقوقی داشتند، در رای گیری ها برای انتخاب اشخاص مرسوم است که رای بصورت مخفی انجام می شود، ولی در رای گیری و کسب نظر در مورد «موضوع» لازم است موارد مندرج در «موضوع» که در رابطه با شورای به اصطلاح ملی «کلیت منشور» شورا بود، پنهانکاری و تظاهر به کسب نظر کردن بدون شور و مشورت در جزئیات و تغییر مطابق سلیقه حاضرین و صاحب نظران شرکت کننده نه تنها پسندیده نیست بلکه یک کار مذموم و نا پسندیده است. در مجمع شورای به اصطلاح ملی! تظاهر به شور در باره منشور شد ولی تغییرات نهایی به آگاهی شرکت کننده ها و کسانی که شاید تنها به منظور اعمال نفوذ در تغییر مفاد منشور به ویژه ماده ۱۱ آمده بودند صورت نگرفت. بنابراین کسانی که در میان انتخاب شونده و انتخاب کننده ها مخالف مفاد منشور بوده اند، «سرشان کلاه» رفته و «عهد شکنی» گردانندگان شورا «شیره سیاسی» به سرشان مالیده است. ح-ک

دوروزه این تعداد ایرانی را در فرانسه همان کسی داده که نسخه حرکت شورا و منشورش را داده از آمریکا تحت نام مستعار «جهان» انتظار مدام و مکرر دارند تا همانطور که علیه رهبران خود کامه آلمان و ایتالیا و عراق و افغانستان و لیبی و سوریه اقدام کردند، در مورد ایران هم عمل کنند حداقل لازمه یک چنین درخواست بسیار مشکل و پرهزینه برای آمریکا اعتبار دادن به نسخه راهی است که آمریکا میخواهد یعنی زمینه سازی برای تجزیه ایران، دنیا، دنیای دادو ستد است شورا از آمریکا حمایت و دیالگ مستقیم و کمک مادی میخواهد خوب آمریکا هم یک ماده ناقابل ! ۱۱ را .



هزینه این بریز و بپاش ها و هزینه پخش مستقیم رادیو تلویزیونی، هزینه اقامت، اتوبوس، و سفر و شام و ناهار این شورا از کجا تامین شد. آقای نادر درمانی که به گفته آقای پیرزاده پولی به این شورا نداده بود. نادر درمانی با اختلاف با فرامرز دادرز موضوع پول جمع آوری شده را مستور گذاشت. این شورا از کجا تامین هزینه کرده است؟

